

مَجَلَّةُ الْبَحْثِ

۱۳۲۹

صفحه اول
جلد پنجم
شماره هشتم
قیمت اشتراك
ارگ ۱

PAGE 1
VOL V
No. 8
سالیك والرونيه
ماه اسماو سنه ۷

این مجله بر حسب تاریخ بهائی هر نوزده روز چاپ و توزیع میگردد و در نهایت آزادی در مسائل گوناگونی بشر و وحدت ادیان و تربیع صلح عمومی و تربیت اطفال و پیشرفت امر حضرت بهاء الله در اطراف جهان و توضیح حقائق این دین عموی خواهد نوشت و مقالات مفید که موافق سبک اداره است قبول و نشر خواهد کرد و دید

البهاء الأبهی * عبد البهاء عباس

خَطْرٌ عَظِيمٌ فِي اسْتِقْبَالِ

حالات سیدهاست

مستجاب خدایا بحسنه الله باقراف یزدی اغوی ربه انساوی لکرم علی

بهاء واقعه الابهی

هوول الله

ایندوستان مقدس شکایت از کساد تجارت نموده برودید و این سه آفات و صدمات کادی و فساد جمیع آفاق را حاکم نموده زیرا بر کثرت بالغ شده عبدالبهاء در کائنات و بحال لایق و ابریک در اکثر مدن نعره تیان اعلان امر حضرت بهاء الله نمود و ندا بملکوت ابری کرد و بر این نامه اقامه نمود و دلایل ظاهر و مخفی با هم اظهار کرده ابدان برای نفسی غدر نمایند بلکه بیایند از خطابه ها در مضافه ها اعلان بافاق شد با وجود این هنوز ناس و خور بغفلت گرفتار نمیکند بجان و این حقیقت بیار هنوز ناس در شهرات فسانه نهامک بدنه که سر را قبل بیدار نماید البته این غفلت و کفران نعمت خدا انتباه سبب حزن و شقت و جنگ و جدال و حصول خسارت و عبالیت و اگر اهل عالم توجه با اسم اعظم ننمایند - -

خطر عظیم در استقبال

ولی در حق یاران امیم چنانست که آثار لطف الهی ظاهر گردد امورشان از جهود استنایا بد و علیک

ثبوت حیرتجان باید

جناب آقای میرزا انقراجه جهرم عبد بهاء الله

هوول الله

ای یار قدیم نامه ای که بواسطه آقای میرزا حیدر علی ارسال نموده بودی رسید از مضمون نهایت فرح و انبساط حاصل یافت که الحمد لله آن بنده دیرین جمال صالح بر حسب قدیم ثابت و در مورد افتخار و امتحان راسخ بوده اید امروز اعظم امور استقامت بر امر الله است که یا مان تا زمین باید چون که آهنین رزین و زمین و زمین باشند و مرکز امر الله را حضرت حسین کردند زیرا هر عرض امتحانی علی الخصوص در استقبال افتخار شایسته است این است که در حدیث میفرماید **اَلْاِنْسُ كُلُّهُمْ هَالِكُونَ اِلَّا الْمُؤْمِنُونَ وَ الْمُؤْمِنُونَ هَالِكُونَ اِلَّا الْمُتَحَنُّنُونَ وَ الْمُتَحَنُّنُونَ هَالِكُونَ اِلَّا الْمُخْلِصُونَ وَ الْمُخْلِصُونَ فِي خَطَرٍ عَظِيمٍ** باری ناتوانید ثابت و تقیم مانید و علیک البهاء الأبهی

عبدالبهاء عباس -

نجیب اختر : این دو لوح ببارک سال گذشته نازل شده در وقتی که ابرهای سیاه جنگ در آسمان اروپا ظاهر نبوده لوح اول سر را بر زمین را کشف نموده

۲ **وَاجِبَاتِ نِسَاءٍ**

در ترویج صلح عمومی و دفع جنگ و جدال

نطق مبارک حضرت عبدالجبار در حضور جمع از افاضل
آمریک در منزل جناب اشتعال ابن کحلانتر ۲۳ آپریل ۱۹۱۳

الحمد لله قرون تارک گذشت قرن نورانی آمد عقول
و نفوس و ترقیات او را کات در تزیات هر کس محرم
حقیقت میکند انسان میزاهد آنچه جمع است و بسبب
است پی برد و عالم نسا همچنان عظیم است نهایت
و ترقی ترقیات و خدمت به عالم انسانی شبه نیست
جستار در این عصر ترقی بنماید و میکوشند تا با احوال
همنان گردند این نیت بزرگ است اگر جمعیت نسا
ترقی و قدرت پیدا نمایند بیای از امور و راه که حال انرا
بر نمایند جای و بجه خواهند داشت
امروز اعظم و کتاب عالم شرح است
عالم انسانی رحمت و قرب است زیرا جمع دول
سترا در تهیه عواید جمع لواله و قرب میشود این
بجایه شرح یکدیگر و ترقی چیز شب و روز میکوشند تا
چند دانه بدست آید و خرمی انداخته گردد ولی چه فایده
زیرا حاصلات تمهیز حرب میشود و خرج نوب و تفنگ
و توره خانه و کشتی های جنگ میگردد و این حرب مالی دائمی
دیگر ملاحظه اندوز نفوس نمائید که در میدان حرب چگونه
پایمال میشوند هر چند در جهانی یعنی اندوز نفوس مجبور
و محض است اما در مالی و املات عمومی و ضرر آن
را جمع میوم بلکه عالم انسانی انرا متضرر

حال چون نانی در این قرن حرکت آید باید این را در دست
نظر نظر داشته باشد تا امر صلح عمومی ترویج شود و خدمت
عالم انسانی ظاهر گردد فضائل بشر جلوه نماید قلوب مال
بهم ارتباط جوید تعصب نبی و مذهبی بر طرف شود تعصب
جنسی نازل گردد تعصب سیاسی نماند و تعصب طینی

انسانی بر خیزد زیرا جمعیت بشر یک عالمه اند و جمع اولاد
آدم همه فرزندان خدا هستند جمع عالم یک کرم
و یکولت است و جمع امم بندگان یک خداوند جمع را خدا
خلق کرد جمع را خدا حفظ میکند (رزق) روزی
نیده میسروراند الطافش شامل کل است و محبتش
بر همه نازل مادام او عادل و مهربان است ما چرا
ظلم و ظفیان نمایم آیا ما بهتر میدانیم و دانایانتر از خدا
هستیم استغفر الله خدا عادل و مهربان است ما
چرا نامهربان باشیم شما که جمعیت نسا هستید کوشید
تا قلوب را بر تامل دیگر حاصل نماید جمع دست بهم داده در خدمت
عالم انسانی بکوشید تا شرف عالم انسانی جلوه نماید
ملاحظه کنید اگر اهل یک خانه با هم الفت نمایند چه
قدر فایده دارد و اگر اهل شهر با یکدیگر متحد و متفق
باشند چه قدر بسبب تعاضد و تعاون است و بسبب
تعاون کلیه و حصول عزت و ثروت عمومی و همچنین اهل
اقلیمی اگر اتحاد نمایند چه قدر ترقیات بیشتر و عزت
و سعادتشان زیادتر گردد ملت امریک چون متفق
شدند چه قدر بسبب سعادت و ترقی و مدنیت ایشان
گویید اگر این اتحاد و اتفاق در میان ولایات متحد
نبود این ترقی و علوم و صنایع و علوتی حاصل نمیشد
دیگر از این میزان بگیریید که اگر جمع ملل اتحاد و اتفاق
نمایند چگونه خواهد شد تقیبات این عالم
جنت ابری شود کال آسایش دست دهد فراح عظیم
حاصل گردد جمع مذاهب و عده و بگانهگی و اخوت
پایند شرق و غرب دست و آغوش شود خوب
و شمال مصالحه و معانقت نماید علم و خدمت عالم انسانی
موج زند خیمه صلح عمومی بلند گردد آهنگ عظیم
و تجید از برای بگوش برسد لهذا شما که خانمهای محترمید
و دانایان و خیرخواه باید شب و روز بکوشید تا این علم و خدمت
و اتحاد در امریک بلند شود و سرایت بسا از جهات نماید

تا جهان جهان دیگر شود و کمال دیگر جلوه نماید

بدخشند این است فراتر از هر وی عبدالرحمان
جانان خوشباد شادمان و کامران باشد
عبدالجبار عباس

لَوْحٌ مِّبْرَأٌ لِّقَبْرِ

از پاریس

قادرین محترم جریده اسپک نیز تبرک ابریک
هو الله

ای قلم نیز جریده اسپک نیز عبدالجبار هزار فرنگی
نمود و در محیط اعظم سیر کرد تا با قلم انچه کان کشور لریک
رسید و در جمیع شهرها مذاکرات ابرو نمود و بیان چند
عالم انسانی کرد و نعم بصلح عمومی نزد و نشأت بطولع
شمس حقیقت داد و الحقیقه مملکتی عمومی یافت و ملتی
پر هوش و جوش و خروش و دولتی عادل و مهربان آن
ملت استعداد آکتاب هر منبغی دارد زیرا تشنه حقیقت
است و بجهت ترقی میدان و سعی دارد لهذا امید داریم
که علم بصلح عمومی بدایت در آن مملکت موج زند و با نظر
جهان سلطنت کند در این قرن نورانی صبح سوهبت انشا
طلوع نموده و شمس حقیقت بر آفاق پر توان اختر باید
ملل عالم مانند آینه کردند تا انرا بیاطعه در نهایت
قوت جلوه نماید قرون طلایی گذشت امید داریم که
انزشت حرارت نیز اعظم تعصبات دینیه و تعصبات
جنیه و تعصبات وطنیه و تعصبات سیاسی
مانند برف آب گردد و چون حقیقت در نهایت
سینی و خرف لطافت یابد تا جهان غطره جهان
گردد عالم ناسوت جلوه گاه سواهب کاهوت شود
شرق و غرب دست در لغزش گردد و شمال و جنوب
و محبوب شود نوع انشا اسراج یک و یک گردد
و گلهای یک گلستان شود و درختان یک بوستان
گردد نظمت بیگانگی نازل شود و نور انیت یکسانی
جلوه نماید سیاسیون ربانیون شوند و فیوض
سراجهای مملکت گردند سروران سلطنت با بدید
تأسیس نمایند و جوانیان مانند ستاره آسمان

ذیانت الطبع تجدید میسوزد

حکمت الهی مقتضی تجدید دین است

بر هفتاد بصیری مکتوبات که هر امری در عالم حاوی
چهار مرتبه است اول وجه نطفه دو تیر
حال رضاع سیم حد بلوغ چهارم نیز هجر
و کلیه اوضاع عالم خالی از این چهار مرتبه نبوده و نیست
و چون در هیکل انسان نگیم دریا سیم که این وجود وقتی
نطفه بود روزی ولادت یافته و حال حیوانیت
بهرم رسانیده پس مجد بلوغ رسیده و بالاخر در حد
انحطاط یافته و زخات و سستی بهم رسانیده و ضعف
پیری او را فرا گرفته و انکار با نمانده و چون بکلی قدرت
انرا و سلوک کرده و کویش غروب نماید انکانش
از هم بیاشد ترکیبش را تبدیل حاصل آید و نیاچار حد
و بعد کل که عالم را تری از این جنس خواست نطفه
انقضاء دهد و ترتیب اولیه را پیش از او فراید هم
چنین چون بحالت اشجار سیر نماید شاهد شود
که این شجر وقتی دانه بود و در رحم زمین پنهان گشته
بعد از ان انحراف سر بر زده و از جنین ارض تولد
یافته و زوای باطراوت گشته پس بدختر شد
رسیده و شجر با ثمر گردیده و مدتی ثمر داده و عاقبت
رو بقدم و کهنه گی گذاشته و ان نشود تا با نمانده
و حطیاب بر شده و چوب بی ثمر گشته چون باغبان
باغ خود را حال انرا بشمار نینماید نیاچار دانه و نگرند
پنهان کند و مرتب اولی برل در عاده این دانه بکار برد
تا شجر با ثمر گردد و باغ را بر وجود خود بیاید و هکذا

در حصول و مواسم ملاحظه شود که وقتی باد بهار وزش
 و نسیم مشکبار در هوا بآید و اشجار جاهله گردد و تولید
 از خاک غرایب بعد از آن عارضه صیف پیدا آید و از هزاران
 نموده مجدداً بلوغ رساند پس اعتدال خریفی چهره کشاید
 ثمرات لطیفه اشجار نمودار کند عاقبت فصل شامیه
 و اشجار از عطیان ماند سردی و می بریزند و برف و باران
 پدیدار شود و ایمان عالم را حدودت را گیرد و چون صبح
 جهان و سبب اکوان عالم را بدین حالت مداوم نخواهد دید
 و در وقت خواب و ثانیاً از خواب بیدار آید و جمال بهار آید
 از خصلت برگیزد و در وقت اولی را از برگرد قسم ماقال الله
 فی المتون :

كفتم لانا سوا علی ما قالکم

ان انی السحان ارفی شاتکم
 یک هر چه آفت شد ممکن شو ز تو گشته که نه آیه باز نو
 (بقیه دارد) - از طرف محفل تهنیت

و تقاضای بریان در سپیده جوهل و نادانی در کمال خفت
 مذلت ان خود بخورد و از خدا بجز روزگاری بطلالت
 نیکدینیم جد خدا را که بواسطه استشمام
 نام سجانی و ایاج نجات سجانی قدری از خواب
 غفلت و نادانی بهوش آمده و خود را در امواج بحر
 بی پایان جوهل و نادانی و طوفان ضعف و ناتوانی
 و کرد باد خفت و ذلت گرفتار دیده از هر سو
 نجاتی بسته جز طریق هدی و له خدا بجا و پناهی
 نیافته بجنون و آمد دست بدامان فیاضی نین
 و از کرده با قلبی بریان و چشمی گریان استخوان
 این که در اب عظیم از خاک نمودیم و عرضیه حضور از
 اعضاء مقدس محفل روحانی حضور داشته در بیجا
 اولادهای عزیز و حکم گوشه گان نور بر خود تمنای
 افتاح مدرسه اناثیه که باعث ترقی ملکی و مملوکی
 و ثروت هر ملت و مملکت است کریم *

الحمد لله القادر المتعال که ان بردن عزیز مقدس
 محترم دعوت ما مظلومان را استجاب فرموده و انجام
 خیال این ذلیلان را فوری بموقع اجرا گذاشته پس
 این هشت روز یک بار مدرسه از برای سلسله
 اناثیه مفتوح فرمودند و صبا یای جناب آقا میرزا
 غلامحسین تاجران فرزند با صبه متعاضدالی الله
 حضرت آقا سید محمد رضا روحانی مدانهم الفدا کر
 همت بر میان بسته و از بر پیشرفت این مقصد غلظی
 و شکرانه این نعمت کبری مجدداً حاضر شدند که مدتی
 بمانا خراشان عزیز نورس خود را تدریس نمایند *
 زبان قلم ان شرح تشکلات قلبی از این اتحاد و اتفاق و مهر
 و محبت عاجز و قاصر است بموجب این ورقه بمعمول
 عزیز شرق و غرب فرج و سرور و بعد از طریقی خود را
 از قبول و انجام این امر عظیم ثبات میدهم و امیدوارم
 تا بیاید حضرت احدیت من بعد بر خلاف سابق و کما

مکتوب انبرای اشیاء

هو المحبوب

پس از حمد و سپاس محبوب آفاق و مرکز شایق ارواحنا
 و ارواح العالمین فدا حضور مبارک خواهران عزیز
 محترم شتعل بنا بحسب الله شرق و غرب با قلبی مملو از فرح
 و سرور بشارت میدهم در این ایام که پر تو شمس حقیقت
 المکی گشته و ذلت عالم را بر خود مزین و نور نموده
 و از دریای حمت بی پایانش ما را بر عظمی بر عزم بندگی
 ما برده و از فضل و کرم بی انتهایش انرا تقاد و انفا
 بر شکل نوع بشر گذاشته و از فیض و عطای محبت
 کل اجساد را ای یک روح گشته و او موندسته ایما
 افراد انسانی را بر پرستش یکدیگر و داشته *
 ما طائفه نران که در کاهی بواسطه نظر و احوال

حیدر سیرتانی و آخر بلوغ بالاختتام نمایم و تأیید از حضرت
قولی **بهر نیکیان شهر** و خصم زین طفل
اول تکلیف با سبب و آثار همان است که بای وجه
کان در تربیت و تعلیم اطفال اندکوسر طوائف گروند
و دختران مانند پسرانند ابتدا فرق نسبت چهل هرد و نوزدهم
و نادانی هر دو نوع مینویس اگر بدیده حقیقت نظر کرد
تربیت و تعلیم دختران لازم تر از پسران است زیرا این
بنات وقتی آید که مادر گردند و اولاد پرورش شوند و اول
مرقی طفل مادر است زیرا طفل مانند شاخه سبز
و تره طور تربیت شود نشو و نما نماید اگر تربیت است
گردد راست شود و اگر کج کج شود تا نهایت عمر بر آن منج
سلوک نماید پس ثابت و برهن شد که دختر بی تعلیم
و تربیت چون مادر گردد سبب مجرمه و جهل و نادانی
و عدم تربیت اطفال کثیر گردد * **بهر نیکیان شهر**

انظرفی محفل و کجا با فزون

بدیهی است که همیشه نشأ ترقی و مبدأ آسایش نوع
انسانی تالیف الهیه بوده چنانچه ملاحظه شده هر طایفه
ملتی که با اعلی ترقی قیام و قیام با وج سعادت و عزت
سپهر اند همانا بواسطه اتباع و پیروی او امر
مقدسه الهیه بوده و چون اطراف چند ترقی
به تدفی عزت به ذلت و ثروتشان به فقر تبدیل
شده پس باید دانست که تالیف الهیه از هر حرف
سبب آسایش بشری است از جمله اول مقدسه
این ظهور اعظم اتحاد و اتفاق و یکانگی است که انسان
شریعت الهیه است لهذا خدا را که مایلست بهائی
متحد و متفقاً ذکر اول و انا تا صغیر و کبیر با یکدیگر
هم عهد شده در این بیم بدیع به مختصر حق که اقدس
مجنوبی ممکن است اساسی بنهیم که آسایش نوع در آن
باشد معلوم است که ترقی هر ملتی منوط بقوه

مالیه و ثروت است برای نیل باین مقصد غنمی
تکثیر آذ است که ما افراد ملت بهائی در هر شهر
تقدیر و توانائی خود در هر مایه برای ثروت ملی
شهرتیر بدیم و قبحر بمهر محفل مقدس و سخا آن
بلد دیانت داریم که منطارت و دستور العمل محفل
در علی جمع گردد و ابتدا از اصل این وجه مصرف نشود
و از منافع آن بعضی امور است مهمه که امروزه است
عدم ثروت بموده تاخیر ماند و مبادرت نمایم پس این
چندی که این امر مهم عظیم بین ماملت جاری گردد من بعد
فقیر نبینیم ناله یتیمی نشنوم و فریاد در مانده را استماع
نمایم **نفی از علم و دانش بی بهره نماند** *



نجیباختر : البته بر همه واضح است که در آینده
بها آباد شرق و غرب و شمال و جنوب مدارس
عظیمه تأسیس خواهند نمود ولی اصل در این
ایام است نه در مستقبل آنچه که در اول ظهور
ظاهر می شود آن اساسی است حکم و ایدی است
و غرض سرمدی است پس خوشحالان کن تو کیم
در هیچ وقتی اقدام فرمایند و قدر خدمت این ایام
را بدانند و کنز الله یوفق من یشاء علی ما یشاء

کتاب چاپ آثار مبارک

کتاب مستطاب هفت وادی و چهار وادی که این
آیات باهره این ظهور اعظم با کلمات مکنون فارسی
مبارک را جناب مستطاب حاجی شیخ حسین کردستانی
که اشاعله اجتهاد ثابتین است از حضور مبارک حضرت
مولا الوری ارواحنا لبدیع عنایاته الفداء حاجی ازین
طبع و فشر نمودند و بصدور اذن و اجازت معتمد
شدند و بنهایت دقت و تصحیح و خوبی و رف
و حرفه موفق بطبع گشتند و در یک مجلد در اوردند

ورق آنها دو رقم است نسبی ورق خوب عادی مصر
 و نسبی دیگر ورق ممتاز لهذا محض اطلاع یا این اعلان
 میشود که هر کس از هر جا طالب باشد انجناب سنج
 آقا محمد تقی صاحب تاجر صفهائی مقیم مصر طلب نمایند
 كذلك جلد اول و دوم مکاتیب و فرآید هم نزد جناب
 ایشان موجود است و آدرسی ایشان از این قرار است
 القاهرة . مصر شارع المرجوش *
 محمد تقی افندی صفهائی تاجر التیل *

لکن هر قاتلی را مقبول و ممدوح می شمارند
 آلمان و اطریش [منسه] انکیطوف و فرانسه
 و بلجیک و روس و انگلیس و صرب و جبل
 الأسود از طرف دیگر می جنگند *
 سائر دول هم در استعداد و تدار کنند
 خلاصه بقایه و ثروت و صناعت و زراعت
 از ترقی و تقدم افتاده است و راحت و
 آسایش این همه خلق مفقود گردیده است
 بخار و اهل صنعت و اهل کسب بدون استثنا
 از کسادی فریاد میکنند و فقر و ضعف
 از گران و ناچیزی آه و ناله مینمایند *

جنگ دنیا

نجیباختر : امروزه هفده ملیون نفوس
 در اروپا زیر سلاحند بعضی از این نفوس جوانند
 و بعضی پیر هستند همه اینها میتوانند در
 نهایت محبت و یگانگی صلح و سلام زندگانی نمایند
 ولی افسوس که الان جمیع افکارشان منحصر در
 قتل یکدیگرند و بس ! در هر کشتهای جنگی
 و در خشکی توب و تنگ و در هوا مرکب هواپیما
 جمیع آتش شدند و آتش بیارند *
 جمیع اهالی اروپا حتی سافین در نهایت خطر
 واضطرارند . حال از آن ممالک صحابه جز
 اجبار خرابی و سفک و ما و تخریب مدین
 و حرق قری خری نیست . و محبت و شفقت
 و رحمت و انسانیت را بکلی فراموش کردند *
 دو هزار سال است که میخوانند " حَبِیرُکَ
 کَفَفَکَ " ولی بالعکس عمل مینمایند در قول
 همه ادعای ندین و مدینت میکنند و در
 فعل شمشیر را گرفته در سر مدینت و دین می
 زنند . هر شخصی بخواهد از برای احیاء نفوس
 بکوشد اول مردود و مذموم میدانند و

صدهای این جنگ مهول نه در اروپا فقط
 منحصر شده بلکه عالم را احاطه نموده *
 از برای چه ؟ محض طمع و نادانی و تقصیر
 و تمسک به عقاید قدیمه و اتباع عوامانه
 رحمت الذات و طلب شهرت و تعلق بادیات
 و اعراض از روحانیات و انجذاب از انوار سلطه
 شمس حقیقت که در این قرن عظیم است
 وجه جمال ممالک حضرت بهاء الله بر جمیع
 مؤمنین تابیده و اکنون آن انوار اشرف و هیکل
 مقدس مرکز میثاق حضرت عبد البهاء
 بر قلوب عموم ثابتین باشد اشرف روشن
 و باهاست . *

کلامی جنگ دنیا

نجیباختر : ما اهل دنیا اعتقاد میکنیم که دوی شافی
 این مذهب ملاک جنگ دنیا همان تعالیم حضرت بهاء الله
 و بیانات و دفاع حضرت عبد البهاء و این را حقیقت مسلمین
 نه تجریم زیرا واضح است که ملاک محله در سر و سر می
 شرق و غرب که این تعالیم و دفاع را قبول کردند جمیع مائید و عالمه
 شدند و در نهایت محبت و الفتند *